معرفت شماره 103 - تير 1385

تحليلي اجتماعي از «اهتمام به امور مسلمانان» با نگاه به آيات و روايات

مهدي محمّدي صيفار

چكيده

آيات و روايات متعددي به دستگيري توانگران معنوي و مادي از ناتوانان سفارش مي كند. اين مسئله نه تنها در سخن، بلكه در عمل و رفتار پيامبر عظيم الشأن(صلي الله عليه وآله) و ائمّه اطهار(عليهم السلام) تبلور داشت، تا آنجا كه هيچ گاه پيامبر اعظم(صلي الله عليه وآله) به درخواست كنندگان «نه» نگفت. بارها حضرت علي(عليه السلام) نياز ديگران را به خود و خانواده اش مقدّم داشت و ائمه ديگر نيز همين طور. اين مقاله با تحليل برخي از كاركردهاي اجتماعي «اهتمام به امور مسلمانان» در پي آن است كه برآوردن نياز ديگران به زمان و مكان و فرد خاصي محدود نيست و در همه زمان ها و مكان ها جاري و اهميت و جايگاه بسيار والايي دارد و البته با پيچيدگي و پيشرفت جوامع، اهميت آن بيشتر شده و با توجه به كاركردهاي مهم اجتماعي آن، نياز است كه نه تنها تك تك افراد، بلكه سازمان ها و مؤسسه هاي خيريه براي رسيدگي به مشكلات معنوي و مادي انسان ها اقدام كنند تا جامعه و مشكلات آن افراد را از رسيدن به كمال باز ندارد.

معنا و مفهوم «اهتمام به امور مسلمانان»

«اهتمام» از ماده «همم» (همّ)، مصدر باب افتعال است و هنگام استعمال در آن باب، به معناي «خواستن، دوست داشتن و آهنگ كردن» به كار مي رود.1 «اهتمام» به معناي تلاش و كوشش، توجه و عنايت نيز آمده است.2 هرگاه كسي براي انجام كاري همّت گمارد و تلاش يا اقدام كند، اهتمام به كار كرده است.

واژه «امر» به معناي «كار، كار و بار، حال، شأن، حادثه و

پيشامد» آمده است.3 جمع «امر» ـ به اين معنا ـ «امور» است.4 بعضي «امور» را به معناي «نيازها و مشكلات و گرفتاري ها» هم گرفته اند. اين معاني از آنجا نشأت مي گيرد كه «امر» به معناي كار باشد; چرا كه كار به معاني حاجت، احتياج و

پيشامد ناگوار نيز آمده است.5

معناي كلمه «مسلمان» نيز روشن است; هر كسي به اسلام گرويده باشد به او «مسلمان» گويند.

در نتيجه، «اهتمام به امور مسلمانان» يعني: تلاش و اقدام براي برآوردن نيازها و حل مشكلات مسلمانان. به عبارت ديگر، «اهتمام به امور مسلمانان» يعني: «خدمت كردن»، و آن عبارت است از: اقدامي از سوي يك فرد يا سازمان در جهت تأمين نيازمندي هاي افراد يا گروه هايي خاص.6

«اهتمام به امور مسلمانان» مفهوم عامي است كه مترادف هاي زيادي از جمله تعاون، خدمات اجتماعي، ديگرياري و رفاه اجتماعي را شامل مي شود و تنها فرق اندكي با آنها دارد. «تعاون» به معناي يكديگر را ياري كردن، همدستي و دستگيري آمده است.7 تعاون معناي ياري رساندن به ديگران و در مقابل، ياري گرفتن از آنها و كمك متقابل را مي رساند. بنابراين، در تعاون، كمك متقابل وجود دارد و معمولا اقدامي جمعي در جهت هدف مشخص و مشاركت در نفع و حاصل به دست آمده است.8

در معناي «اهتمام به امور مسلمانان» كمك متقابل وجود ندارد، بلكه هر كسي يا گروهي مورد خطاب قرار گرفته است تا در حد توان، در تأمين نيازهاي آنان بكوشد، بدون اينكه انتظار كمك متقابل داشته باشد. اين معنا با «ديگرياري» مترادف است و آن كمك كردن به ديگران بدون داشتن انتظار ياري از كمك گيرنده يا بدون تصور سهم و نفعي است.9

«رفاه اجتماعي» جزو «سياست هاي اجتماعي» است كه دولت ها براي آسايش مردم جامعه خود به كار مي گيرند و شاخص هايي براي آن تعريف كرده اند. علاوه بر دولت ها، سازمان هاي غيردولتي نيز تشكيل شده اند تا در جهت رفاه مردم جامعه بكوشند. چنين اقداماتي كه هم از سوي دولت و هم سازمان ها و مؤسسه هاي غيردولتي براي تأمين نيازهاي مسلمانان صورت مي گيرد، از موارد «اهتمام» شمرده مي شود. آنگاه كه «خدمت» را به معناي «كاركردن براي كسي» بگيريم، «خدمات اجتماعي» نيز مترادف با «اهتمام» خواهد بود.

چند نكته

اول. اهتمام به امور مسلمانان، كه در روايات به صورت جمع آمده، بدين معنا نيست كه بايد براي رفع گرفتاري هاي جمعي از مسلمانان كوشيد و نه يك فرد. هم عقلا و هم نقلا ـ چنان كه بعدتر در روايات ديگري ذكر خواهد شد ـ اين عنوان فرد را نيز شامل مي شود; يعني كمك فرد به فرد يا جمع و ياري رساندن جمع (گروه، مؤسسه، سازمان) به فرد يا جمع يا اقدامات دولت براي تأمين نيازهاي فردي و جمعي از موارد اهتمام شمرده مي شود. حداقل سطح كمك به ديگري در رابطه با دو فرد معنا مي يابد و ميان آن دو كنش و واكنش رخ مي دهد.

دوم. سفارش به تأمين نيازهاي مسلمانان به عنوان وظيفه اي الهي به عهده هركسي (اعم از فرد، گروه، جامعه و دولت) گذاشته شده و در آن نبايد هيچ چشمداشت مادي در نظر گرفته شود. با توجه به اينكه افراد جمعي زندگي مي كنند و وظايف و كارها ميان افراد انساني تقسيم شده است و هر كسي كاري بر عهده دارد، انتظار آن است كه براي برقراري عدالت و رفع تبعيض و فقر و فساد و ايجاد همبستگي و الفت ميان خود، به حل مشكلات مادي و معنوي يكديگر اقدام كنند. وقتي پاداش اخروي و جهت الهي داشتن نيز مطرح مي گردد، انسان ها بايد بيشتر به ياري هم، بدون منّت، بشتابند و در انجام كار خير، از همديگر پيشي بگيرند و آنگاه است كه انس و الفت ميان آنان ايجاد مي شود و بنيان هاي جامعه هرچه بيشتر استحكام مي يابد.

سوم. متفاوت بودن استعدادهاي انساني، منزلت هاي اجتماعي و ماهيت زيست اجتماعي (تقسيم كار و اشغال به شغل هاي مختلف) اقتضا مي كند كه افراد جامعه به همديگر نيازمند باشند. رسيدگي به امور ديگران مبتني بر نياز، و نياز لازمه اجتماعي زيستن انسان است. انسان ها نيازهاي متنوّعي دارند كه مي توان آنها را به «نيازهاي دنيايي» (معنوي يا رواني و مادي) و «اخروي» تقسيم كرد. منظور از «نيازهاي دنيايي مادي»، نيازهاي جسماني است; مانند نياز به غذا، مسكن، ازدواج و كار. «نيازهاي دنيايي معنوي يا رواني»، مثل نياز به احقاق حق، ايمني، برقراري صلح و دوستي، روابط عاطفي و شاد كردن است. «نيازهاي اخروي»، احتياج هاي انسان ها در رابطه با آخرت و رسيدن به سعادت و كمال است و شامل نيازهاي فكري، عقيدتي و ديني مي شود. حل مشكلات عقيدتي، انسان ها را در رسيدن به سعادت و كمال ياري مي كند و اين يكي از امور مهمي است كه به طور مستقيم با سعادت انسان ها رابطه دارد. در واقع، از جمله مشكلات انسان امروزي، از جمله برخي مسلمانان، گرفتار آمدن در چنگ نگرش هاي مادي به جهان و به حاشيه راندن دين در زندگي است.

چهارم. در برخي از روايات، سود رساندن به طور اعم (با لفظ «ناس») آمده است كه نشان مي دهد خدمت كردن بايد با در نظرگرفتن اولويت باشد. به عبارت ديگر، مي توان چنين استنباط كرد كه خدمت به مسلمانان در درجه اول و غير مسلمانان در درجه بعدي قرار دارد، يا در ميان مسلمانان، بايد بر اساس شدت و ضعف نياز و تأثير مشكلات آنها بر جامعه و پيشبرد اهداف دولت اقدام كرد.10

پنجم. در طول زمان، امور مسلمانان فرق مي كند و مسائل تازه اي بروز مي نمايد كه لازم است آن مسائل شناخته شود و سپس براي حل آنها اقدام گردد. دامنه اين نيازها و مشكلات گاهي كوچك است كه تأمين آنها از عهده گروه كوچكي برمي آيد، ولي گاهي نيز دامنه مشكلات چنان گسترده است كه تلاش همگاني يا دولتي يا اهتمام مؤسسه هاي خيريه را مي طلبد، به ويژه آنكه اساس پيدايش مؤسسه هاي خيريه به گستردگي و پيچيدگي نيازها در عصر كنوني برمي گردد.

تحوّل خدمات اجتماعي

در جوامع پيشين و سنّتي، كه زندگي اجتماعي پيچيده نبود و روابط اعضا چهره به چهره بود، خانواده و قبيله مفهوم و جايگاه ويژه اي داشت. هرگاه كسي نيازي داشت يا به مشكلي برمي خورد، خانواده، قبيله يا جامعه او آن مشكل و نگراني و اضطراب را برطرف مي كرد. در كنار اينها، نهادهاي مذهبي نيز به صورت هاي گوناگون به ارائه خدمت مي پرداختند. نكته مهم آن است كه به خاطر سادگي روابط و محدود بودن نيازها، ضرورت ايجاد مؤسسه ها و نهادهاي سازمان يافته وجود نداشت و افراد جامعه با پي روي از فطرت انساني خود و سفارش هاي اكيد اديان، به ياري ديگران مي شتافتند. با تشكيل جوامع شهري و اجتماع هاي بزرگ، اين نياز پيدا شد تا خدمات اجتماعي دولتي شود. با ظهور انقلاب صنعتي و پيچيده تر شدن روابط اجتماعي و شيوه هاي زندگي، اين نياز ضروري تر گشت و در پي گسترش انسان هاي درمانده، بيچاره، ناتوان و بي سرپرست، سازمان ها و مؤسسه هاي دولتي و غيردولتي بسياري به وجود آمدند كه به خدمات اجتماعي مي پرداختند. بدين روي، دولت ها مجبور به طرح و اجراي برنامه هاي اجتماعي شدند، به گونه اي كه اكنون اين امر جايگاه اجتناب ناپذيري در جوامع امروزي و حتي قوانين اساسي آنها دارد. اكنون نه تنها سازمان هايي در داخل كشورها تأسيس شده، بلكه برخي از اين سازمان ها در سطح بين المللي به فعاليت مشغولند و اين امر نشان از جايگاه ويژه خدمت رساني دارد.

آنگاه كه خورشيد اسلام طلوع كرد، يكي از سفارش هاي اوليه و اكيد آن به گروندگانش و حتي به دولت اسلامي، پاييدن پيران، بي سرپرستان، يتيمان، گرسنگان و بيماران بود. اين مسئله در آيات و روايات و نيز در سيره معصومان(عليهم السلام)كاملا مشهود است.

جايگاه اهتمام به امور مسلمانان در انديشه اسلام

آيات و روايات متعددي با عنوان هاي گوناگون (از قبيل انفاق، احسان، صدقه، زكات، صله رحم و اصلاح امور ميان مسلمانان) درباره اين موضوع حقوقي ـ اخلاقي آمده است. علاوه بر آن، سيره معصومان(عليهم السلام) در اهتمام به امور مسلمانان و جامعه اسلامي، نشانگر جايگاه والاي اين ارزش اجتماعي در ميان نظام ارزشي و هنجاري اسلام و تأثير آن در ايجاد همبستگي و تحكيم روابط اجتماعي است. براي روشن شدن مطلب و درك اهتمام اسلام به اين موضوع، آيات و رواياتي كه در اين باره آمده است، ذكر مي گردد. البته پيش از آن، بايد گفت: گستردگي موارد اهتمام، عناوين متعدد و ذكر آنها مجالي كافي مي طلبد. بدين روي، براي طولاني نشدن بحث، چند آيه و روايت ـ به عنوان نمونه ـ ذكر مي شود. موارد ديگر نيز مي تواند تحت اين نمونه ها قرار بگيرد يا بيان كاركرد و تحليل آنها به موارد ديگر نيز سرايت داده شود:

الف. آيات

در خصوص اين موارد، آياتي در قرآن كريم آمده است:

1. صله ارحام: صله رحم يكي از واجبات شرعي است كه آيات و روايات متعددي بر وجوب آن دلالت دارد و با عنوان هاي گوناگون، همانند توصيه به رعايت حقوق ارحام، احسان به پدر و مادر و به ويژه مادر، به تشريح مسئله صله رحم پرداخته شده است; از جمله آيه 28 سوره بقره مي فرمايد: «كساني كه عهد خدا را پس از محكم بستن آن مي شكنند و روابطي را كه خدا به پيوند آن امر كرده است مي گسلند و در روي زمين فساد مي كنند آنان زيان كارند.»

از امام صادق(عليه السلام) درباره اين آيه سؤال شد، حضرت فرمود: مراد از «امر خدا» صله رحم است و تأويل ديگر آيه ارتباط شما با ائمّه اطهار(عليهم السلام) است.11

افراد جامعه براي ارضاي نيازهايشان با هم روابط اجتماعي دارند. منظور از «روابط اجتماعي» كمك متقابل انسان ها به يكديگر براي تأمين نياز است.12 نيازهاي عاطفي و نيازهاي مادي از جمله نيازهايي است كه افراد در ارتباط با يكديگر و به ويژه در ارتباط با فرزندان، پدر و مادر و خويشان آن را تأمين مي كنند. از اين رو، صله رحم از موارد مهمي است كه اسلام به انجام آن دستور داده است تا بدين طريق، بخش مهمي از روابط عاطفي و آرامش رواني افراد جبران شود يا بخشي از مشكلات مادي آنها از بين برود.

2. اطعام: «و به خاطر دوستي خدا، به فقير و اسير و يتيم طعام مي دهند.» (انسان: 8)

3. حمايت از مستضعفان مؤمن: «و چرا در راه خدا جهاد نمي كنيد، در صورتي كه جمعي ناتوان از مرد و زن و كودك شما، كه در مكّه اسير ظلم كفّارند، دايم مي گويند: بار خدايا! ما را از اين شهري كه مردمش ستم كارند بيرون آور و از نزد خودت براي ما سرپرست قرار ده و از نزد خودت براي ما يار و ياور قرار ده.» (نساء: 75)

4. اقدامات اصلاحي از سوي مصلحان جامعه: «خدا هيچ قومي و هيچ اهل دياري را در صورتي كه آنها مصلح و نيكوكار باشند به ظلم هلاك نكند.» (هود: 117)

ب. روايات

همان گونه كه آياتي درباره انفاق، زكات، صله رحم، احسان، اصلاح و مانند آن آمده است و از موارد اهتمام به امور مسلمانان به شمار مي روند، رواياتي نيز در قالب هاي متعدد، از جمله عجله در كار خير، نصيحت، سود رساندن و شاد كردن آمده است كه به اين امر، ترغيب و تشويق مي كنند از جمله آنها روايات ذيل است:

1. به زحمت انداختن خود براي ديگران: امام صادق(عليه السلام)فرمود: سزاوار است مؤمن داراي هشت خصلت باشد:... بدنش از او به خاطر بسياري عبادت و قضاي حوايج مردم در رنج و مشقّت باشد.13

2. آسايش مردم از دست مؤمن: در ادامه روايت قبلي، امام(عليه السلام)مي فرمايد: و مردم از سوي او در آسايش باشند.14

3. عجله در كار خير: امام صادق(عليه السلام) مي فرمايد: پدرم مي فرمود: چون اراده كار خير كردي بشتاب; زيرا نمي داني چه پيش مي آيد.15

4. اهتمام به امور مسلمانان; شرط مسلماني: پيامبر مكرّم(صلي الله عليه وآله) مي فرمايد: هر كس صبح كند در حالي كه به امور مسلمانان اهتمام ندارد، از آنان نيست، و آنكه صداي مردي را بشنود كه صدا مي زند: اي مسلمانان! و پاسخ ندهد، مسلمان نيست.16

5. سود رساندن به مردم: از پيامبر اكرم(صلي الله عليه وآله) سؤال شد: كدام يك از مردم نزد خدا محبوب تر است؟ فرمود: آنكه نسبت به مردم سود بيشتر داشته باشد.17

6. شاد كردن مردم: پيامبر اكرم(صلي الله عليه وآله) فرمود: مردم عيال خدايند و محبوب ترين مردم نزد خدا كسي است كه به عيال خدا سود رساند و خانواده اي را شاد كند.18

7. رفع بلا از مسلمانان: حضرت رسول(صلي الله عليه وآله) مي فرمايد: هر كس از گروهي از مسلمانان تجاوز آب يا آتش را رد كند، بهشت برايش واجب مي شود.19

8. قضاي حاجت مسلمانان: امام ششم فرمود: آنكه در پي [برآوردن] حاجت برادر مسلمانش باشد، خداوند در پي حاجت او باشد تا زماني كه به دنبال حاجت مسلمان است.20

9. مؤمن برادر مؤمن است: امام صادق(عليه السلام) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است; مانند يك پيكر كه هرگاه عضوي از آن دردمند شود، اعضاي ديگر هم احساس درد كنند، و روح هاي آنها نيز از يك روح است. و همانا روح مؤمن پيوستگي اش به روح خدا، از پيوستگي پرتو خورشيد به خورشيد بيشتر است.21

10. مؤمنان خادم يكديگرند: امام صادق(عليه السلام) فرمود: مؤمنان بعضي خادم بعضي ديگرند. سؤال شد: چگونه؟ فرمود: به يكديگر سود مي رسانند.22

11. پوشاندن، سير كردن، گشايش غم وغصه و اداي قرض: حضرت ابي جعفر(عليه السلام) فرمود: سير كردن، پوشاندن، گشودن غم و اداي قرض از حقوق مؤمن بر مؤمن شمرده مي شود، و هرگاه از دنيا رفت، جانشين او در خانواده و فرزندانش باشد.23

12. تلاش براي حاجت مؤمن: امام صادق(عليه السلام) فرمود: هر كس در [برآوردن] نياز برادر مسلمانش به خاطر لقاي خداوند بكوشد، خداي ـ عزّوجل ـ براي او هزار هزار حسنه بنويسد كه خويشانش و همسايگانش و برادرانش [ديني] و آشنايانش آمرزيده شوند.24

روايات ديگري نيز در اين باره در كتب حديثي از جمله ثواب الاعمال، سفينة البحار و امالي شيخ طوسي آمده است.

اصول حاكم در اهتمام به امور مسلمانان

اهتمام به امور مسلمانان در انديشه اسلام با ديگر انديشه ها تفاوت اساسي دارد. به دليل آنكه اسلام انسان را متشكّل از روح و جسم مي داند و براي او دنياي ديگري را نيز ترسيم مي كند، انجام كارها توسط انسان را به اين دنيا محدود نكرده، بلكه نسبتي ميان آنها و آخرت برقرار مي سازد. توضيح آيات و رواياتي كه در باب اهتمام آمده، در قالبي غير از بينش هاي مبتني به اين دنيا (اين جهاني) مي گنجد و از اين رو، اصولي بر آن حاكم است كه پيش از توضيح بايد يادآور شد.

1. ايمان به خدا و آخرت

نظريه هايي كه درباره ارزش گذاري اخلاقي افعال انسان مطرح شده، اين جهاني است; مثلا، طرف داران مكتب «منفعت عمومي» (سودگرايي)، كه از جمله آنهاست، اعتقاد دارند: ما نمي توانيم بدون در نظر گرفتن ديگران، زندگي راحتي داشته باشيم. طبيعت انسان اقتضا مي كند كه به طور اجتماعي زندگي كند و اين زندگي اجتماعي سرنوشت افراد را به هم مرتبط مي سازد. بنابراين، اگر خواهان لذت خودمان هستيم، بايد به فكر لذت ديگران هم باشيم; زيرا اگر جامعه ناراحت شود و همه مردم ناراحت باشند، ما هم راحت نخواهيم ماند.25 مقصود ايشان از «سود عمومي»، لذت عموم افراد يا ارضاي اميال آنان است. ايشان هدف اخلاق و خير اخلاقي را سعادت مي دانند و سعادت را نيز به تأمين بيشترين سود براي بيشترين افراد تعريف مي كنند.26

يكي از اشكال هاي وارد بر اين مكتب، در نظر نگرفتن منافع اخروي و فقط تأكيد بر منافع دنيوي است و به اين دليل، سعادت بشر را هم به اين دنيا محدود مي كنند. با چنين نگرشي، توضيح روايات در قالب آن ناقص خواهد بود. غير از آن، بر منافع دنيوي افراد براي پالايش انسان از رذايل اخلاقي ترغيب نشده است و به همين دليل، اعمالشان آنها را به كمال و سعادت واقعي نخواهد رساند. در اين زمينه، در ارزش گذاري افعال و نيز در تعيين سعادت، به تناقض هايي مي رسند كه به هيچ وجه نمي توانند آنها را حل كنند.

اما با توجه به جهان بيني اسلام، كه از يك سو، «رابطه انسان با مبدأ» و از سوي ديگر، «رابطه انسان با معاد» را مطرح مي كند، معناي «سعادت» هم در اين چهارچوب قابل توجيه است و مي توان گفت: در بيشتر موارد، «فلاح» را سعادت اخروي معرفي مي كند.27 بنابراين، آيات يا رواياتي كه در آنها پاداش هاي متعددي براي عمل نيك و اهتمام به امور ديگران مطرح گرديده و سعادت براي آن ترسيم شده است در قالب اعتقاد به مبدأ و معاد معنا مي يابد. اگرچه از منافع دنيوي آن هم نبايد غافل گشت; چرا كه اسلام به آن به عنوان وسيله و مزرعه آخرت اهميت داده است. بدين روي، بسياري از كارهاي نيك وجوددارد كه پاداش آنها در اين دنيا متناسب با آن كارها نيست و عدالت اقتضا مي كند كه در دنياي ديگري به آنهاپاداش داده شود.

2. اخلاص

«اخلاص» مترتّب بر ايمان است. كسي كه مال خود را به ديگران مي بخشد و اوقات خود را صرف نيازمندان مي كند، اگر علاوه بر ايمان، اخلاص نداشته باشد، پاداش هاي مورد انتظار از بين مي رود. كمك به ديگران براي رضا و دوستي خداست كه سبب پالايش رذايل اخلاقي و رسيدن به سعادت مي شود و او را در ياري رساندن، صبور، گشاده رو، صادق و بي ريا مي كند.

3. علم و آگاهي (شناخت)

اهتمام به امور ديگران مستلزم شناخت و آگاهي كافي از مشكلات و نيازهاي آنان است. عدم درك درست مشكل و نياز و آگاه نبودن از زوايا و راه حل هاي آن، مي تواند علاوه بر آنكه مشكل را برطرف نمي كند، به پيامدهاي منفي نيز منجر شود. وقتي از لقمان(عليه السلام) درباره علت نپذيرفتن مسئوليت قضاوت پرسيدند، او در پاسخ گفت: مسئوليت داوري و حكومت در جامعه سخت ترين كار و مشكل ترين مسئوليت است و تاريكي و ابهام از هر سو آن را فراگرفته و انسان بر لبه پرتگاه قرار دارد. اين پاسخ و عدم پذيرش نشان از نداشتن شناخت كافي به تمام زواياي اين مسئوليت است.28

4. رعايت اولويت ها

به دليل آنكه افراد از لحاظ نزديكي و دوري، درجات متفاوتي دارند، حقوق و تكاليفشان هم متفاوت است. آيه 177 سوره بقره، ترتيب تقدّم انفاق به نيازمندان را (خويشان، يتيمان، مساكين، در راه ماندگان و گدايان) بيان مي كند. يا در آيات ديگر هم با اندك تفاوتي به اين رتبه ها اشاره دارد. اين مسئله نشان مي دهد كه رسيدگي به امور افرادي كه از حيث درجه نزديك هستند مهم تر و لازم تر از درجات بعدي است و هر كسي موظف به اهتمام نسبت به خويشان، ارحام و بعد مراحل ديگر است. با رعايت اولويت ها، مسئوليت رسيدگي به طور مساوي ميان اعضاي جامعه تقسيم مي شود و نيز با علم و آگاهي كامل، اين كار صورت مي گيرد.

كاركردهاي معنوي اهتمام به امور مسلمانان

آثار و كاركردهاي فراواني در آيات و روايات براي موضوع موردنظر آمده است. آثار مترتّب بر آن، نشان از اهتمام اسلام به زندگي، روابط و همبستگي اجتماعي دارد. با توجه به بينش كاركردگرايانه، كه آثار عيني عمل را در زندگي فردي و اجتماعي ارزيابي مي كند، نقش و تأثير اين موضوع در آن روشن مي شود. همان گونه كه پيش تر گفته شد، با توجه به موارد زياد اهتمام به امور مسلمانان، كه در آيات و روايات آمده است، با استقراي ناقص، برخي كاركردهاي كلي در اينجا ذكر مي گردد كه شامل بيشتر موارد اهتمام به امور مسلمانان مي شود و پرداختن به آثار هر يك نيازمند مجالي ديگر است:

1. كاركردهاي صله رحم: صله رحم از موارد اهتمام به امور مسلمانان شمرده شده است. بدين روي، كاركردهايي براي آن ذكر شده است; از جمله: زيادي عمر، روزي، مال و نعمت، رفع فقر، تعاطف ميان خويشان و جلب حمايت آنان و افزايش محبت در ميان آنها.29

2. در امان بودن از شرّ قيامت: خداوند در آيه 8 ـ 11 سوره انسان مي فرمايد: «و به خاطر دوستي خدا، به فقير و اسير و يتيم طعام مي دهند... خدا هم آنان را از شرّ و فتنه آن روز محفوظ داشت و به آنها روي خندان و دل شادان عطا نمود.»

3. دوستي خداوند: «تنها خداي يكتا را بپرستيد و هيچ چيز را شريك او نگيريد و نسبت به پدر و مادر و خويشان و يتيمان و فقيران و همسايه نزديك و همسايه بيگانه و دوستان موافق و رهگذران و بندگان و پرستاران، كه زيردست شمايند، در حق همه، نيكي و مهرباني كنيد كه خداوند خودپسند و متكبّر را دوست ندارد.» (نساء: 36)

4. عاقبت نيك: «مال و فرزندان زيب و زينت زندگاني دنيايند (و ليكن) اعمال صالح ماندگار، نزد پروردگار، بهتر و عاقبت آن نيكوتر است.» (كهف: 46) آيه 76 سوره مريم نيز به همين مضمون است.

5. رستگاري: «حقوق ارحام و خويشان و مسكينان و در راه ماندگان را ادا كن كه صله رحم و احسان به فقيران براي آنان كه مشتاق لقاي خدايند بهترين كار است و اينان رستگاران عالمند.» (روم: 38)

6. لقاي خدا: در آيه مذكور، لقاي خدا از آثار احسان دانسته شده است.

7. پاداش بزرگ: «هيچ فايده و خيري در سخنان سرّي آنها نيست، مگر آنكه به صدقه و نيكي يا اصلاح ميان مردم سخن سرّي گويند و هركس كه در طلب رضاي خدا چنين كند به زودي خدا به او اجر بزرگ كرامت نمايد.» (نساء: 114)

8. قوّت قلب و اطمينان به آينده: «كساني كه مالشان را شب و روز و نهان و آشكار انفاق مي كنند، نزد پروردگارشان پاداشي نيكو دارند و هرگز از حادثه آينده بيمناك و از امور گذشته، اندوهگين نخواهند گشت.» (بقره: 274)

9. آمرزش: امام صادق(عليه السلام) مي فرمايد: روز خود را با كار خير آغاز كنيد و در اول و آخر روز، بر فرشتگان گماشته خود نيكي املا كنيد تا در آن ميان، براي شما آمرزش باشد، ان شاءالله.30

10. بهشت: رسول خدا(صلي الله عليه وآله) فرمود: هر كس از مسلمانان تجاوز آب يا آتش را برگرداند، بهشت بر او واجب مي شود.31

11. گره گشايي خدا از كار گره گشا: امام صادق(عليه السلام) فرمود: آنكه در پي برآوردن نياز برادر مسلمانش باشد، خدا حاجتش را برآورد تا وقتي كه در پي حاجت اوست.32

12. دوستي: مأمون حارثي مي گويد: از امام صادق(عليه السلام)پرسيدم: حق مؤمن بر مؤمن چيست؟ فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن، دوستي اوست.33

13. برآوردن صد هزار حاجت از طرف خدا در قيامت: امام صادق(عليه السلام) فرمود: همانا خداوند ـ عزّوجل ـ برخي از آفريدگانش را براي برآوردن نيازهاي فقراي شيعه ما آفريد تا به سبب آن به بهشت وارد شوند. اگر توان داري كه از آنان باشي، پس اين كار را بكن.34

14. حج و عمره مقبول و روزه دو ماه و اعتكاف در مسجدالحرام: ابراهيم خارقي مي گويد: از امام صادق(عليه السلام)شنيدم كه مي فرمود: هركس براي برآوردن نياز برادر مؤمنش، براي طلب آنچه نزد خداست، اقدام كند تا آن نياز را انجام دهد، خداوند برايش همانند ثواب حج و عمره مقبول و روزه دو ماه از ماه هاي حرام و اعتكاف آن دو ماه در مسجدالحرام را بنويسد. و آنكه به نيت تأمين نياز گام بردارد و نتواند برآورد، خدا برايش همانند اجر حج مقبول بنويسد. پس در كار خير بشتابيد.35

15. ثبت ده حسنه: امام صادق(عليه السلام) فرمود: كسي كه در بر آوردن نياز برادر مؤمنش تلاش كند، ده حسنه برايش نوشته مي شود.36

16. محو ده سيئه: در ادامه روايت قبلي آمده است: ده سيئه براي صرف اقدامش از او محو مي شود.37

17. ترفيع ده درجه: در ادامه روايت پيشين ترفيع ده درجه نيز ذكر شده است.38

18. شادي در قيامت: معمّربن خلّاد مي گويد: از امام صادق(عليه السلام) شنيدم كه مي فرمود: خدا روي زمين بندگاني دارد كه براي نيازهاي مردم مي كوشند. آنان روز قيامت در امنيت هستند. و هركس در دل مؤمني شادي ايجاد كند، خدا دلش را روز قيامت شاد گرداند.39

19. هزاران هزار حسنه: حضرت جعفربن محمّد(عليه السلام) فرمود: كسي كه براي براي نياز برادر مسلمانش به خاطر خدا بكوشد، خداي عزّوجل براي او هزار هزار حسنه بنويسد كه خويشان و همسايگان و برادران و آشنايانش آمرزيده شوند.40

20. هفتاد و دو رحمت: امام صادق(عليه السلام) فرمود: هركه از برادر مؤمن گرفتار تشنه كام خود، هنگام بي تابي اش فريادرسي كند و او را از گرفتاري نجات دهد و براي رسيدن به حاجتش او را ياري كند، خداي عزّوجل به سبب آن كار، برايش هفتاد و دو رحمت بنويسد كه يكي از آنها را براي اصلاح امر زندگاني او بدهد و هفتاد و يك رحمت را براي [دفع] فزع و ترس قيامت به تأخير اندازد.41

21. گشايش غم هاي آخرت: امام صادق(عليه السلام) فرمود: هركس از مؤمني غمي بگشايد، در آخرت خدا از او غم هايش را بگشايد.42

22. ميوه هاي بهشتي: در ادامه روايت قبلي، امام(عليه السلام)مي فرمايد: هركس مؤمني را طعام دهد، خدا از ميوه هاي بهشتي به او دهد.

23. ده طواف: اسحاق بن عمّار مي گويد: ابوعبداللّه(عليه السلام)فرمود: اي اسحاق! هر كس اين خانه [كعبه] را يك بار طواف كند، خدا برايش هزار حسنه بنويسد و هزار سيئه از بين ببرد و هزار درجه ترفيع دهد و هزار درخت در بهشت برايش بكارد و ثواب آزاد كردن هزار انسان را بنويسد، تا اينكه هنگام ورود به بهشت، خدا هشت در بهشت را به رويش بگشايد و به او گفته شود: از هر كدام كه مي خواهي وارد شو. اسحاق مي گويد: به حضرت گفتم: فدايت شوم! اين همه ثواب براي طواف كننده است؟ فرمود: آري. آيا به تو از آنچه بافضيلت تر از اين است، خبر بدهم؟ گفتم: آري. فرمود: هركس نيازي از برادر مؤمنش برآورد، خدا برايش ثواب ده طواف بنويسد.43

24. لباس بهشتي: امام صادق(عليه السلام) فرمود: هركس برادرش را لباس زمستاني يا تابستاني بپوشاند، بر خدا حق است كه از لباس هاي بهشتي به او بپوشاند.44

25. آساني مرگ: در ادامه حديث قبلي، امام(عليه السلام) مي فرمايد: و سختي هاي مرگ را بر او آسان گرداند.45

26. وسعت قبر: در ادامه حديث آمده است: خداوند قبرش را گسترش دهد.46

27. ملاقات فرشتگان: در دنباله حديث مي فرمايد: هنگامي كه از قبرش بيرون مي آيد، فرشتگان را با بشارت ملاقات كند.47

28. توكيل هفت هزار فرشته از طرف خدا براي استغفار: امام صادق(عليه السلام)مي فرمايد: هركس فردي از فقيران مسلمانان را بپوشاند يا با چيزي از غذايش او را ياري رساند، خداي عزّوجل هفت هزار فرشته را وكيل كند تا براي هر گناهي كه انجام داده است آمرزش بخواهند تا اينكه در صور دميده شود.48

29. طول عمر: در اين باره شهيد مطهري مي نويسد: «گناهان اجل را تغيير مي دهند و احسان ها و نيكوكاري عمر را زياد مي كنند. يعني با اينكه اجل و عمر به حكم قضا و قدر الهي تعيين شده اند، اين امور عامل تغيير و تبديل قضا و قدر مي باشند.»49

30. افزايش روزي: «مَثَل آنان كه مالشان را در راه خدا انفاق مي كنند مَثَل دانه اي است كه از يك دانه هفت خوشه برويد و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا از اين مقدار نيز بر هركه خواهد، بيفزايد; زيرا رحمت خدا بي منتهاست و به همه چيز احاطه كامل دارد.» (بقره: 261)

آثاري كه ذكر شد، بسياري مربوط به آخرت و برخي دنيوي بود. افزون بر اينها، به آثار اجتماعي شان نيز مي توان اشاره كرد كه باواسطه، از تشويق و ترغيب مردم و اعطاي پاداش هاي اخروي در صورت رسيدگي به امور ديگران قابل استنباط است. بسياري از اين آثار نسبت به مصاديق و موارد اهتمام به امور مسلمانان (انفاق، صدقه، اصلاح و قرض الحسنه) هم پوشي دارد; ولي آنچه مهم است آثار اجتماعي مترتّب بر آنهاست كه با توجه به اهميت آنها در روابط اجتماعي، مهم ترين آنها ذكر مي شود:

كاركردهاي اجتماعي اهتمام به امور مسلمانان

مهم ترين بحث موردنظر پس از بيان كاركردهاي اهتمام به امور مسلمانان، تبيين و برقراري چگونگي ارتباط ميان آثار با علل آنهاست. ولي به دليل آنكه برخي از آثار، همانند آثار اخروي آزمون پذير نيست، نمي توان اين ارتباط علّي و معلولي نامعلوم را تبيين كرد. با اين همه، اقدام مسلمانان به ارتباط با يكديگر و اهتمام به برآوردن نيازها از جمله امور اجتماعي است كه پيامدهايي اجتماعي ـ گرچه باواسطه ـ بر آنها مترتب است. برخي از آثار اجتماعي اهتمام به امور مسلمانان ـ هرچند ناقص ـ ذكر مي گردد:

1. الفت و برادري

آلن بيرو در تعريف «همبستگي اجتماعي» گفته است: «احساس مسئوليت متقابل بين چند نفر يا چند گروه كه از آگاهي و اراده برخوردار باشند. همچنين همبستگي مي تواند شامل پيوندهاي انساني و برادري بين انسان ها به طور كلي يا حتي وابستگي متقابل حيات و منافع آنها باشد. همبستگي حايز يك معناي اخلاقي است كه بر پايه آن در سطح يك گروه يا يك جامعه، اعضا به يكديگر وابسته اند و به طور متقابل نيازمند يكديگر.»50

دوركيم «همبستگي اجتماعي» را نوعي نظم خودبنياد اجتماعي و اخلاقي مي داند كه در آن، افراد با هم پيوند يافته و هماهنگ باشند.51

دو تعريف مذكور بيشتر به «پيوستگي و وابستگي افراد جامعه به يكديگر» بر اساس نياز و «فرهنگ و احساسات و عواطف» بر مبناي اخلاق و ارزش ها تأكيد دارد. دوركيم وقتي درباره «نظم» سخن مي گويد، آن را مقوله اي اجتماعي مي داند كه بايد بر مبناي عنصر اخلاقي يا نظامي از عقايد و ارزش هاي جمعي باشد كه كنش هاي متقابل مردم را در جهت اهداف يا منافع جمعي هدايت مي نمايد.52

سپس دوركيم در زمينه پاسخ به عوامل همبستگي اجتماعي، دو نوع همبستگي مكانيكي و ارگانيكي (انداموار) را مطرح مي كند. همبستگي مكانيكي از راه همانندي ايجاد مي شود كه نمونه بارز آن مي تواند جامعه روستايي باشد. همبستگي در چنين جامعه اي مستحكم و نفوذناپذير است. وجود ارتباطات بسيار نزديك و چهره به چهره در آن و ايجاد وحدت دروني، افراد را براي رسيدگي به مصالح نوعي برمي انگيزاند. از سوي ديگر، وجود وجدان جمعي و احساسات مشترك در ميان اعضاي جامعه، فرد را در مشكلات و گرفتاري هاي اعضا شريك مي سازد.53

همبستگي ارگانيكي (انداموار)، كه نمونه آشكارش جوامع صنعتي است، از راه تقسيم كار و ناهمانندي هاي مكمّلي، كه در آن وجود دارد، حاصل مي شود.54 دوركيم وجود تمايز اجتماعي افراد را با اندام هاي موجود زنده مقايسه مي كند; چرا كه اندام ها با آنكه هر كدام وظيفه خاصي بر عهده دارند و همانند نيستند، ولي همه براي حيات موجود زنده لازمند.55

بنابر توضيحي كه از «همبستگي اجتماعي» از ديدگاه دوركيم ذكر شد، مي توان گفت: همبستگي بر اساس نوع اول، كه از راه همانندي است، از فرهنگي به فرهنگ ديگر تفاوت مي كند. در جوامع مسلمان، كه افراد بر اساس فرهنگ و ارزش هاي اسلامي، روابط اجتماعي خود را برقرار مي سازند، الگوهاي رفتاري، احساسات و عواطف مشترك مي تواند منبعث از ارزش هاي اسلامي باشد و اعضا روابط خود را با توجه به آموزه هاي اخلاقي و ارزشي خود تنظيم كنند. در آن صورت، اهتمام به نيازها و مشكلات مسلمانان، به عنوان عملي عبادي و ضرورتي انكارناپذير در جامعه تلقّي مي گردد كه مورد پذيرش همگان واقع شده است. چنين عملي به طور غيرمستقيم، پيامدهايي در زندگي فردي و اجتماعي آنها برجاي مي گذارد كه مهم ترين آنهااحساس همدلي، انسوالفتونيازبه يكديگر است.

امام صادق(عليه السلام) در روايتي مؤمن را برادر مؤمن مي داند و مي فرمايد: «مؤمن برادر مؤمن است; مانند پيكري كه هرگاه عضوي از آن دردمند شود، اعضاي ديگر هم احساس درد كنند و روح آنها نيز از يك روح است. و همانا روح مؤمن پيوستگي اش به روح خدا، از پيوستگي پرتو خورشيد به خورشيد بيشتر است.»56

ارتباط صميمانه با ديگران و تلاش براي تأمين نيازهاي مسلمانان در حدّ امكان و ـ بنابر رواياتي ـ نيّت و گام برداشتن براي تحقق نيازهاي همنوعان، دردها و نگراني ها را كاهش مي دهد و آنها را به پيوند مستحكم احساسات و اهداف مشترك سوق مي دهد. نكته مهم در اين ارتباط ها، آن است كه در اسلام، گذشته از تأمين نياز به خاطر هم نوع بودن، به خلوص نيّت و الهي بودن قصد نيز سفارش شده است تا كمك كننده انتظار پاداش را تنها از خدا داشته باشد و كار را به نحو اكمل انجام دهد. در واقع، اهتمام به امور ديگران بر مبناي نظامي از عقايد و ارزش هاي اسلامي است كه اعضاي جامعه را در جهت اهداف جمعي، چه اهداف دنيايي يا آخرتي، هدايت مي كند. در نتيجه، وقتي خاستگاه احساس وابستگي و تعلّق خاطر عميق به ديگران و حل مشكلات آنها دين باشد و تلقّي عبادي بودن به آن ضميمه گردد، همه كارها و رسيدگي ها از ضمانت اجرايي مؤكّدي برخوردار مي شود. اين نگرش مشكلاتي را كه دامنگير افراد در جوامع نوين است و معمولا حل آنها مترتّب بر سودهاي متقابل ظالمانه است، تا حدّي جبران مي كند و انسان ها را براي دست يازيدن مشتاقانه به اقدامات مثبت، آن هم نه براي سودهاي ظالمانه، بلكه براي خشنودي خدا و اميد به آمرزش گناهان و پاداش اخروي برمي انگيزاند.

فارابي عامل ايجاد همبستگي را «محبت» مي داند و آن را به «محبت طبيعي» (مانند محبت والدين به فرزند) و «محبت ارادي» تقسيم مي كند. «منشأ محبت ارادي، به امور ارادي است. اين امور عبارتند از: 1. اشتراك در فضيلت; 2. دست يابي به منفعت; 3. دست يابي به لذت. در مدينه فاضله، محبت در درجه اول با اشتراك در فضيلت حاصل مي شود و اشتراك در فضيلت نتيجه عقايد و اعمال مشترك است. اما عقايد مشترك، كه سزاوار است اهل مدينه در آن اشتراك داشته باشند، سه بخش مي باشند: 1. اشتراك در مبدأ; 2. اشتراك در منتها; 3. اشتراك در بين مبدأ و منتها. "اشتراك عقيده در مبدأ" اشتراك در امر باري تعالي است و "اشتراك عقيده در منتها" اتفاق نظر درباره سعادت انسان است و "اشتراك عقيده در بين مبدأ و منتها" اشتراك عقيده در مورد افعالي است كه با آنها سعادت تحصيل مي شود. چنان كه اهل مدينه فاضله در اين انديشه ها اتفاق نظر داشته باشند و اين اتفاق نظر با افعالي تكميل گردد كه با آنها سعادت تحصيل مي شود، ضرورتاً محبت به دنبال خواهد آمد. از طرف ديگر، چون اهالي مدينه فاضله در كنار يكديگر زندگي مي كنند، بعضي نيازمند بعض ديگر بوده و به يكديگر نفع مي رسانند، محبت ناشي از منفعت هم به دست خواهد آمد. آنان به دنبال اشتراك در فضيلت و بذل نفعي كه به يكديگر مي رسانند، طبعاً از يكديگر لذت مي برند و بنابراين، به دنبال آن، محبت نيز حاصل مي شود.»57

در آيات 63 سوره فرقان و 53 بني اسرائيل، تأثير رفتار نيكو و تواضع يا بدگويي و ستيزه جويي در تحكيم وحدت يا تشديد تفرقه و اختلاف بيان مي شود. اگر در جامعه اسلامي، توانگران با اخلاص در خدمت ناتوانان قرار گيرند، فقرا و مساكين با پشتيباني ثروتمندان به زندگي اميدوار مي شوند و از مسير احتمالي انحراف در امان مي مانند. آنگاه است كه اعضاي جامعه خود را در سرنوشت يكديگر مؤثر مي دانند و ثمره چنين وضعيتي يكپارچگي خواهد بود.58

2. تقويت دين

«دين» آييني است كه داراي عقايد صحيح و مطابق با واقع است و رفتارهايي را كه در رسيدن انسان ها به كمال و سعادت حقيقي تأثير دارد، توصيه مي كند.59 هدف از دين و عمل به احكام آن، رسيدن به كمال و سعادت («سعادت» به معناي رسيدن به قرب الهي) مي باشد. ديني كه دنيا و آخرت را با هم در نظر مي گيرد و عمل به احكام آن را در دنيا مقدّمه آخرت مي داند، حركت طبق دين تقويت آن محسوب مي گردد. «اهتمام به امور مسلمانان» از رفتارهايي است كه طبق آيات و روايات، در وصول به كمال و سعادت تأثير دارد. كسي كه به اين رفتار عبادي براي خشنودي خدا عمل كند، گامي اساسي براي تقويت دين برداشته است; چرا كه هم به عمل عبادي اقدام كرده و هم عمل او در رابطه با انسان هايي است كه در نظام ارزشي و هنجاري همانند قرار دارند و اين همانندي زمينه هاي تقويت دين را به وجود مي آورد. هر حركتي كه انسان ها را با آموزه هاي دين آشنا سازد و با اعمال خير، محبتي در دل نسبت به دين به وجود آورد، در واقع دين را ترويج كرده و انسان ها را با آن آشنا ساخته است. تقويت ايمان سست باوران و ايجاد زمينه هاي هدايت و گرايش بيشتر به دين از نتايج مترتّب بر آن است.

3. كاهش فاصله طبقاتي

در كتاب تحليلي اجتماعي از صله رحم، به معيارهاي كلي حاكم بر روابط اجتماعي اشاره و از چهار اصل نام برده شده است:

اصل اول «قسط و عدل» است كه آية اللّه مصباح در توضيح آن مي گويد: هر فردي در صورتي حاضر است در زندگي اجتماعي مشاركت كند و فعاليتي براي ديگران انجام دهد كه در منافع حاصل از آن شريك باشد. عقل هم حكم مي كند كه هركس به اندازه اي كه در زندگي اجتماعي و تحصيل مصالح مؤثر است، به همان اندازه، از نتايج آن بهره مند شود; يعني عقل افراد را الزام مي كند كه كاري براي اجتماع انجام دهند. در مقابل حقي نيز به نفع آنان در اجتماع در نظر مي گيرد و اين همان عدل و قسط است.60

اصل دوم «احسان» است و در توضيح آن آمده كه وجود تفاوت ميان افراد، نابرابري امكانات و زمينه ها و اوضاع اجتماعي براي شكوفايي همواره افراد قابل توجهي از جامعه را از امكان ورود به جريان تعاملي اصل اوّلي محروم مي سازد. از اين رو، براي پركردن اين خلأ و رفع محروميت هاي بنيانكن و شكاف هاي تنش آفرين در نظام اجتماعي، لازم است برخي امكانات به صورت بلاعوض در اختيار آنان قرار گيرد.61 از جمله اين امكانات بلاعوض، مي توان به زكات، صدقه، انفاق و وقف اشاره كرد كه هركدام با كاركردهاي مربوط به خود، بخشي از شكاف هاي موجود را پرمي كند.

خداوند در آيه 90 سوره نحل مي فرمايد: «همانا خداوند به عدل و احسان و بخشش به خويشان امر مي كند و از فحشا و منكر و ستم باز مي دارد. خداوند به شما اندرز مي دهد، شايد متذكر شويد.» در اين آيه، پس از مسئله «عدالت»، احسان و بخشش به خويشان را يادآور مي شود و از آن مي توان فهميد كه در كنار عدالت، بايد احسان و بخشش نيز صورت گيرد تا افرادي كه در موقعيت هاي نامتناسب و ناموزون قرار گرفته اند، به سطح عدالت نزديك شوند.

مرحوم علّامه جعفري در توضيح علت وجوب زكات مي نويسد: «با نظر به علت تشريع زكات و ساير ماليات هايي كه با عناوين ديگر در منابع اسلامي وارد شده است، اين مطلب روشن مي شود كه اسلام مبارزه جدّي با فقر و هرگونه محروميت هاي مادي را مورد دستور قرار داده است. نمونه رواياتي كه علت تشريع زكات را متذكر شده است، از اين قرار است: زراره و محمّدبن مسلم نقل مي كنند كه امام صادق(عليه السلام)فرمود: خداوند در اموال اغنيا براي فقرا حقي معيّن فرموده است كه براي آنان كافي است. اگر كافي نبود، خداوند بر آن حق مي افزود. پس بينوايي فقيران مربوط به حكم خدايي نيست، بلكه از آن جهت است كه اغنيا آنان را از حق خود محروم كرده اند. اگر مردم حقوق واجب را ادا مي كردند، فقرا به زندگاني شايسته اي مي رسيدند.62

روايات مربوط به اهتمام به امور مسلمانان، بيشتر فرد را مورد خطاب قرار داده اند. اين خطاب نشان مي دهد آنجا كه دولت اسلامي به دلايلي نتواند عدالت اجتماعي را ميان افراد برقرار سازد تا همه به طور يكسان از امكانات جامعه بهره مند گردند، وظيفه و تكليف مسلمانان است كه به نيازمندي هاي هم كيشان خود در حد توان رسيدگي كنند. به عبارت ديگر، اقدامات دولت اسلامي در تأمين نيازهاي مسلمانان در سطح كلان، و اقدامات مردم در سطح خرد تبيين مي شود. «تشريع اين احكام [قرض، هبه، وقف، عاريه و مانند آن] و عمل به آنها در جوامع اسلامي مي تواند تا حد بسيار، از بروز فقر جلوگيري كند و بسياري از مشكلات اقتصادي آنان را حل كند، تا جايي كه عده اي معتقدند: اگر به اين قوانين به طور كامل عمل شود، ريشه فقر از جوامع اسلامي كنده خواهد شد. با وجود اين، ممكن است به دليل حرص و زياده خواهي و ميل به انباشت ثروت، كساني نفع خود را در فقر و محروم نگه داشتن بخشي از جامعه ببينند... در چنين مواردي، كه حكومت از تأمين عدالت اجتماعي به هر علت ناتوان است، اسلام آحاد جامعه اسلامي را مخاطب قرار مي دهد و به حمايت از يكديگر فرا مي خواند و با تشريع وظايف و تكاليف فردي، تك تك مسلمانان را به پشتيباني از نيازمندان مكلّف مي كند.»63

4. ايجاد آرامش روان در افراد جامعه

مهاجرت، شهرنشيني، تقسيم كار تخصصي، ارتباطات پيچيده، تسلّط نگرش هاي سودگرايانه در روابط انساني، ضعف بنيان هاي اعتقادي و اخلاقي، كاهش ارتباطات عاطفي، و احساس نياز وابستگي به سازمان ها به جاي خانواده و افراد را مي توان از علل فردگرايي و خودمحوري و عدم نياز احساس نياز به ديگران دانست. اين ازتباطات مصنوعي، هيچ گاه نيازهاي عاطفي افراد را اشباع نمي كند و اختلال ها و نارسايي هاي شخصيتي، اخلاقي و رفتاري بسياري را به وجود مي آورد. آنگاه است كه افراد به همديگر احساس تعلّق نمي كنند و براي ارضاي نيازهاي عاطفي خود، به دنبال بديل هايي مي گردند كه هيچ تأثيري در پرورش آنها ندارد. از اين رو، اسلام به عنوان ديني اجتماعي به اين نياز اساسي توجه كافي كرده و به تربيت انسان هايي كه به نيازهاي عاطفي ديگران حسّاسند، اهميت داده است. سفارش به رسيدگي نسبت به نيازهاي ديگران در جامعه صنعتي امروز اهميت بيشتري دارد; چرا كه ايجاد ارتباط عاطفي در انسان ها، هم در پرورش نسل و آرامش روان براي آنها و هم در سير به طرف كمال و سعادت، كه هدف آفرينش انسان است، نقش دارد. ايجاد ارتباط از طريق عاطفه و اخلاق، آرامش روان و ارتباط وثيق اجتماعي را به وجود مي آورد. در اين زمينه، انسان هاي خودمحور، خودخواه و خودبين به شدت در منابع اسلامي نكوهش شده اند; چراكه آنها جز به منافع و مشكلات خود نمي انديشند و از اين رو، نه از ديگران حمايت مي كنند و نه مورد حمايت واقع مي شوند.

در كتاب آناتومي جامعه، استدلال شده است كه هرچه پيچيدگي روابط بيشتر شود، ارضاي نيازها بيشتر دچار اختلال مي گردد و هرچه ارضاي نياز بيشتر دچار اختلال گردد، احساس ناكامي در افراد و اعضاي جامعه بيشتر مي شود. آنگاه نتيجه مي گيرد كه هرچه ناكامي افراد بيشتر شود، انواع انحرافات پيش مي آيد. سرانجام، در اين زنجيره از روابط علّي، پيدايش رفتارهاي انحرافي در روابط اجتماعي ريشه دارد و تعداد قابل توجهي از مسائل رواني افراد در نهايت، از مسائل اجتماعي سرچشمه مي گيرد.64

با توجه به اين مطلب، بايد گفت: نظام اخلاقي در جوامع سنّتي و صنعتي با ويژگي هاي خاص خود و ويژگي روابط اجتماعي انسان ها در آنها تغيير نمي پذيرد و در هر صورت، اسلام به ارتباط عاطفي و حمايت هاي مادي و معنوي از همديگر سفارش مي كند تا بدين وسيله، نيازهاي متعدّد افراد بيشتر اشباع شود، به ويژه نيازهاي رواني كه امروزه افراد زيادي با آنها دست و پنجه نرم مي كنند.

5. جلوگيري از انحراف هاي اجتماعي

بر اساس نظريه مازلو، انسان ها داراي نيازهاي اساسي (فطري) از جمله نيازهاي جسمي، نياز به روابط اجتماعي، تأييد و احترام، ايمني و خويشتن يابي هستند. نياز به غذا خوردن، آشاميدن، مسكن، روابط جنسي و مانند آن از جمله نيازهاي جسمي مي باشند. اگر اين نيازها ارضا نشود و فرد با محروميت مواجه گردد، به تدريج مي كوشد تا از راه هاي غير هنجارمند آنها را برآورده سازد. نياز به برقراري روابط دوستانه با ديگران، وابستگي فرد به گروه را افزايش مي دهد و به محبوبيت داشتن در ميان ديگران متمايل مي سازد. از اين طريق است كه مي كوشد خود را با هنجارهاي آن گروه و جامعه سازگار گرداند. در صورت عدم ارضاي اين نياز، تمايل فرد به كج روي افزايش مي يابد.65

در ساير موارد نيز اگر نيازهاي اساسي فرد با محروميت روبه رو شود، احتمال انجام اعمال كج روانه بيشتر مي شود. آمارهاي متعدد در رابطه بين محروميت هاي گوناگون با اعمال انحرافي، بيانگر اين نكته است. اگر در جامعه اي رتق و فتق امور ديگران و توجه به آنها گسترش يابد و انسان هايي ـ حتي به صورت گروهي و سازمان يافته ـ به اين كار اقدام كنند، جلوي انحراف هاي زيادي در جامعه گرفته مي شود. بنابراين، براي پايان دادن و دست كم كاهش اضطراب ها، افسردگي ها، تنهايي ها، انحراف هاي اجتماعي و هزاران بيماري رواني ديگر، نيازمنديم تا دست همديگر را به صميميت بفشاريم و از هيچ كمك خيرخواهانه دريغ نورزيم.

6. ايجاد اميد به زندگي

انسان ها همواره با اميد زنده اند و اگر اميد به آينده نباشد، از فعاليت و زندگي باز مي ايستند. گاهي انسان هايي در عمر خود، آن قدر با گرفتاري ها، مصيبت ها و رنج ها مواجه شده اند كه ديگر اميد به آينده و زندگي را از دست داده اند. توجه خويشاوندان، آشنايان، دوستان و ديگران به چنين انسان هايي ـ دست كم پاي درد دل آنان نشستن ـ بارقه اميد را در دل آنان روشن مي سازد. توانايي انسان ها در برابر سختي ها و مشكلات آن چنان زياد است كه تحمّل آنها به تدريج، بر توانايي ها مي افزايد; ولي آنچه انسان ها را از پاي درمي آورد، احساس تنهايي است. اين درد، توانايي را از آنها سلب مي كند و آنها را بسان گوشتي متحرّك در مي آورد. اما رسيدگي به يكديگر بر مقاومت آنها مي افزايد.

پى نوشت ها

1ـ جرّ خليل، فرهنگ عربى لاروس، ج 2، ص 2136.

2ـ على اكبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 8، ص 514.

3ـ غلامرضا انصاف پور، فرهنگ فارسى، ص 70 / على اكبر دهخدا، پيشين، ج 8، ص 176.

4ـ جرّ خليل، پيشين، ج 1، ص 318.

5ـ محمّد معين، فرهنگ معين، ج 3، ص 2788.

6ـ سيد مجتبى عزيزى، تحقيقى در ابعاد مختلف نهضت خدمات رسانى به مردم، تهران، سازمان عقيدتى سياسى ناجا (معاونت سياسى)، 1382، ص 7.

7ـ محمّد معين، پيشين، ج 1، ص 1907.

8ـ حميد انصارى، مبانى تعاون، دانشگاه پيام نور، 1371، ص 1.

9ـ همان، ص 2.

10ـ محمد زاهدى اصل، مقدّمه اى بر خدمات اجتماعى در اسلام، تهران، دانشگاه علّامه طباطبائى، 1370، ص 12.

11ـ محمد زاهدى اصل، مقدّمه اى بر خدمات اجتماعى در اسلام، تهران، دانشگاه علّامه طباطبائى، 1370، ص 12.11ـ ر.ك: محمدباقر مجلسى، بحارالانوار، المكتبة الاسلاميه، 1389 ق.

11ـ جرّ خليل، فرهنگ عربى لاروس، ج 2، ص 2136.

12ـ فرامرز رفيع پور، آناتومى جامعه، تهران، شركت سهامى انتشار، 1378، ص 73.

13ـ محمّدبن يعقوب كلينى، اصول كافى، ج 3، باب «خصال المؤمن»، ص 78.

14ـ همان.

15ـ همان، باب «تعجيل فعل الخير»، ص 212.

16ـ همان، باب «الاهتمام بامور المسلمين»، ص 238.

17ـ همان.

18ـ همان.

19ـ همان، ص 240.

20ـ شيخ عباس قمى، سفينة البحار، ج 2، ص 481ـ482.

21ـ همان، ج 3، ص 242ـ243.

22ـ همان.

23ـ همان، ص 245ـ252.

24ـ همان، ص 282.

25ـ محمّدتقى مصباح، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره)، 1376، ص 68.

26ـ مجتبى مصباح، بنياد اخلاق، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره)، 1382، ص 203.

27ـ محمّدتقى مصباح، پيشين، ص 100ـ101.

28ـ على شيخ موحد، «خدمت رسانى: اصول و آثار»، مجله انديشه حوزه، ش 3 و 4، مشهد، دانشگاه علوم رضوى، 1382، س نهم.

29ـ سيدحسين شرف الدين، تحليلى اجتماعى از صله رحم، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1378، ص 179ـ195.

30ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 3، باب «تعجيل فعل الخير»، ص 212.

31ـ همان، ص 238.

32ـ همان.

33ـ همان، ص 245.

34ـ همان، ص 281.

35ـ همان.

36ـ همان، ص 285.

37ـ همان.

38ـ همان.

39ـ همان.

40ـ همان.

41ـ همان، ص 286.

42ـ همان.

43ـ شيخ عباس قمى، سفينة البحار، ط. الثانية، دارالاسوه للطباعة والنشر، 1416 ق، ج 2، ص 482.

44ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ص 292.

45ـ همان.

46ـ همان.

47ـ همان.

48ـ همان.

49ـ مرتضى مطهرى، انسان و سرنوشت، تهران، صدرا، 1368، ص 80.

50ـ آلن بيرو، فرهنگ علوم اجتماعى، ترجمه باقر ساروخانى، چ چهارم، تهران، كيهان، 1380، ص 400.

51ـ عبدالرسول يعقوبى، عوامل همبستگى و گسستگى ايرانيان، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره)، 1383، ص 22.

52ـ همان، ص 27 و 28.

53ـ ريمون آرون، مراحل اساسى سير انديشه در جامعه شناسى، ترجمه باقر پرهام، چ ششم، تهران، علمى و فرهنگى، 1382، ص 365ـ366.

54ـ عبدالرسول يعقوبى، پيشين، ص 30.

55ـ ريمون آرون، پيشين، ص 362.

56ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 3، ص 243.

57ـ عبدالرسول يعقوبى، پيشين، ص 41 و 42.

58ـ محمد زاهدى اصل، پيشين، ص 79.

59ـ محمّد حسين زاده، مبانى معرفت دينى، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره)، 1380، ص 17 و 18.

60ـ سيدحسين شرف الدين، پيشين، ص 34.

61ـ همان، ص 35.

62ـ محمّدتقى جعفرى، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1372، ج 20، ص 101.

63ـ جمعى از مؤلفان، روان شناسى اجتماعى با نگرش به منابع اسلامى، تهران، حوزه و دانشگاه و سمت، 1382، ص 353.

64ـ فرامرز رفيع پور، پيشين، ص 80.

65ـ على سليمى و محمد داودى، جامعه شناسى كجروى، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، 1380، ص 663.